

آيا جنگ عليه تروريزم ممکن است؟

وقتی در سال ۲۰۰۱م، پس از واقعات ۱۱ «سپتمبر» در «نیویارک» و «واشنگتن»، «جورج دبلیو بوش»، رئیس جمهور وقت اضلاع متحده آمریکا، با «تروریزم جنگ را» اعلان نمود بر طبق آن، به عملیات نظامی در افغانستان، آغاز نمود، در جوامع غربی، صاحب نظرانی هم بوده اند، که «جنگ علیه تروریزم» را از طریق «اردوی منظم» ممکن نمی دانستند. آنها می گفتند، که «جبهه جنگ آنها کجاست؟». صاحب نظران بی شمار غربی، مخالف چنین مشی بوده اند. البته این گروه مخالف، اعمال تروریستی را محکوم می نموده، مبارزه مشترک را علیه این پدیده، با طرق همکاری های متقابل «اطلاعاتی» دول و استفاده از شیوه های «پولیسی» و توجه به محاکمه کشاندن مجرم، در هر کشور، مؤثر می دانسته اند. با شیوه عمل «جورج دبلیو بوش» موافق نبوده اند. بناءً نابودی چنین پدیده، نمی تواند، با جنگ های «منظم» و با در نظر گرفتن قوانین معین جنگی بین المللی ممکن گردد.

البته قابل تذکر می دانم، که صاحب نظران، با شناختی که از محافل قدرت در غرب و بخصوص در جامعه «امریکا» داشته اند، افراد معینی را، مربوط به مشی می دانسته اند، که رسیدن به اهداف خود را در استفاده از «زور» یا تعمیم وسیله نظامی می دانسته اند. در جمله این محفل که از زمان «رونالد ریگن» صریح تر در حال تشکل بوده اند، نام برده شده است: «چینی»، «ولفوویچ»، «رمسفیلد»، «داکتر زلمی خلیلزاد» و غیره. آقای خلیل زاد، در سالهای حضور قوای شوروی، در افغانستان، درین حلقه معرفی گردیده، در «ارگانهای حلقه بالائی اداره واشنگتن فعال بوده است.»

در حقیقت امر اضلاع متحده آمریکا در آنوقت «رهبران» طرح و عمل «مجریان»، حادثه تروریستی «نیویارک و «پنتاگن» را خود آنها، از جانب «القاعده» تحت «رهبری اوساما بن لادن» مدعی شده اند.

قبلاً هم چنین ادعاها، خاصاً بعد از انفجارات در عربستان سعودی، در محل سکونت نظامیان و یا در سفارتخانه های اضلاع متحده آمریکا در افریقا وجود داشته است. موجودیت و یا اقامت، بعضی از رهبران «القاعده»، بر طبق اطلاعات مطبوعاتی، در زمانی در خاک افغانستان بسر می برده اند که، هنوز «طالبان» به کابل نرسیده بودند. از جمله «اوساما بن لادن» در آنوقت وارد «جلال آباد» شده بود، که برهان الدین ربانی در کابل حاکمیت می کرد و از مساعدت های همان آنوقت خود نیز بهره می برد. وقتی در سال ۲۰۰۱م، از ساحه «توره بوره» «نا پدید میگردد، تا امروز دقیقاً روشن نشده است، که آیا «افراد» «حضرت علی» قومندان قوای برهان الدین ربانی و یا «حاجی زمان» و یا کدام کس دیگر در «نجات» او نقش داشته است. آقای ربانی زیر سایه مباران های شدید قوای امریکائی و متحدان، با حامیان، از برکت پیوند ها و تعهدات با قدرتمداران خارجی، وارد کابل شد و خود را با سر شور دادن هر دو قدرت بزرگ سابق جهان، رئیس جمهو می دانست.

قمچین بدستان برهان الدین ربانی را «بی.بی.سی. بتاریخ هشت «دسمبر» ۲۰۰۱م، مشاهده نموده بودند، که با خواهران و مادران و زنان افغانها، بعد از اخراج «طالبان» از اریکه قدرت، چه رویه از خود نشان می داده اند. گزارشگر می نویسد «زنان افغان تا هنوز هم منتظر آزادی اند.» در پای این عکس می خوانیم: «طالبان رفته اند، ولی لنت و کوب و قمچین زدن ادامه دارد.»

در سه هفته مصارف این عملیات را یکی از منابع (CSBA) بین یک الی ۲.۲ میلیارد دالر تخمین نموده است. تنها شدت بمباران های هوایی، ۱۶۰۰ پرواز را با مصارف ۴۰۰ الی ۸۰۰ میلیون دالر تخمین کرده است.



ازین مصارف برهان الدین ربانی و دوستان او استفاده نموده اند. جریان یازده سال گذشته، به همگان معلوم است. منابع غربی گاه گاه خبر می دهند، که سازماندهی «تروریستی» کدام مرکزیت معین ندارد. در عین زمان، بارها گفته شده است، که در چنین فعالیت ها، قلت افراد برای رهبری ندارند.

دپاتو شمیره: له ۱ تر 2

پاکستان که در زمان ورود «طالبان» در قندهار و بعد از آن الی سال ۲۰۰۱م، خود از جمله فقط سه کشور شمرده می شد، که حکومت «طالبان» را برسمیت شناخته بود، در زمان تسلط «طالبان» در بخش وسیع کشور، یگانه قدرتی بوده است، که «چتر اطلاعاتی» و قدرت آن، در بین «طالبان» و «دوستان بین المللی آنها»، خیلی ها، قوی بوده است.

این کشور که در عین زمان، دارای روابط مستحکم با واشنگتن بوده است، تا آخرین لحظه از حمایت خود از



«طالبان» و دوستان آنها، دست نکشید، وقتی خود را با «مشی» «جورج دبلیو بوش»، همنا اعلان کرد، با «موقف دو رویه» آنکشور، بر بغرنجیت اوضاع افزود. از آنوقت ببعده، «طالب» «ضد قوای خارجی و «طالب» ضد حکومت پاکستان در حال تشکل بوده است. در جریان عملیات ها در «توره بوره» بعنوان مثال، که «تلویزیون روسیه، عکس را بعنوان مخفی گاه «بین لادن» نشان داده است، جنرال پرویز مشرف با اظهارات متناقض می کوشیده است، تا توجه افکار عامه را از فعالیت های انکشور، منحرف سازد. همین تصویر را بتاريخ ۸ «دسمبر» ۲۰۰۱م، «بی.بی.سی.» از آدرس

تلویزیون روسیه منتشر ساخته است. در همین روز ها، جنرال مشرف حتی احتمال کشته شدن «بین لادن» را بزبان می آورد. در عین زمان اطمینان می داده است، که گویا، شخص مذکور از سرحدات بسوی کشور او عبور ننموده است. در حالیکه منابع دیگر از همکاری «حضرت علی»، قومندان، قوای «جمعیت اسلامی» برهان الدین ربانی که از روابط او با ایران نیز سخن گفته می شد، گزارش می یافت.



اطلاعات ضد و نقیض زیاد درین مورد نشر می شد. حقیقت موضوع، زیر توفان دروغ و تبلیغات فریبنده، نابود می گردید. احتمال دارد، که عکس العمل، برخی از هواداران «افراطیون»، با فرو ریختن برج های «نیویارک» و یا حریق در قسمتی از «پنتاگن»، بنابر «انگیزه» های مختلف، که حتی «مخالفین غیر مذهبی» ضد سیستم و ضد قدرت اضلاع متحده امریکا می تواند، در آن شامل بوده باشند، که همه ممکن از نظر قدرتمداران غرب «مهرالقاعده» خورده باشند. در جریان برخورد های نظامی

روزهای اول، بین قوای امریکائی و متحدین آن با جنگی های ضد قوای خارجی، از سازمانهای مختلف «افراطی» تحت نام اسلام بوده باشند، ولی در مطبوعات غرب همه را «القاعده» مهر می زدند. در همان روز های عملیات مشترک، که از قوای، «حضرت علی» قومندان «جمعیت اسلامی» تحت رهبری برهان الدین ربانی، نیز در حمایت از قوای «امریکائی» مدعی بوده است،

افراد تصویر فوقانی نشسته، «اسیرانی» بوده اند که مربوط «القاعده» می دانسته اند.

پای